فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیست و دوم (بهار ۱۴۰۴)

# چالش های آموزش و پرورش سنتی در عصر دیجیتال

(تاریخ ارسال ۱۴۰۴/۰۲/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۳/۰۲)

**بهرام صفری شیرین جهانگیری**

**رمضان شیروانی صبا صفری**

فرهیختگان علمی اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه، کرمانشاه

## چکیده

در عصر دیجیتال، نظام آموزش و پرورش سنتی با چالش‌های جدی در فرآیند یاددهی–یادگیری، مشارکت دانش‌آموزان و استفاده از فناوری‌های نوین مواجه است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های آموزش سنتی و تحلیل نقش فناوری و یادگیری مشارکتی در بهبود کیفیت آموزش انجام شد. روش پژوهش کاربردی و توصیفی–تحلیلی بود و داده‌ها از طریق پرسشنامه، مصاحبه نیمه ساختاریافته، مشاهده کلاس و تحلیل مستندات آموزشی جمع‌آوری شد. جامعه پژوهش شامل معلمان و دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه استان کرمانشاه بود و نمونه‌ای شامل ۵۰ معلم و ۱۵۰ دانش‌آموز انتخاب شد. یافته‌ها نشان داد که روش‌های سنتی معلم‌محور و حفظیات‌محور باعث کاهش مشارکت فعال، انگیزه و مهارت‌های نوین دانش‌آموزان می‌شوند و فرصت‌های یادگیری فعال و تعاملی محدود است. همچنین کمبود منابع دیجیتال و آمادگی محدود معلمان از دیگر چالش‌های اصلی بود. استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی و یادگیری مشارکتی با مشارکت و انگیزه دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معنادار داشت و نقش فعال معلم در هدایت و مدیریت کلاس، اثر منفی روش‌های سنتی را کاهش می‌دهد. این پژوهش نشان می‌دهد که ادغام روش‌های فعال، فناوری‌های آموزشی و مدیریت مؤثر کلاس توسط معلم می‌تواند کیفیت یاددهی–یادگیری، انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را بهبود بخشد و چالش‌های آموزش سنتی در عصر دیجیتال را کاهش دهد .یافته‌ها برای معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی کاربرد عملی دارد و می‌تواند راهنمایی برای توسعه نظام آموزشی نوآورانه و همگام با فناوری ارائه دهد.

**واژگان کلیدی:** آموزش سنتی، آموزش دیجیتال، یادگیری مشارکتی، فناوری آموزشی، مدیریت کلاس، کیفیت یاددهی–یادگیری

**مقدمه**

عصر دیجیتال با تحولات گسترده در فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه‌های یادگیری و آموزش را به طور بنیادین تغییر داده است .فناوری‌های نوین، دسترسی سریع به اطلاعات، یادگیری مجازی و ابزارهای هوشمند، انتظارات و نیازهای دانش‌آموزان و معلمان را متحول کرده‌اند و نظام‌های آموزشی سنتی را با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته‌اند. آموزش و پرورش سنتی که بر روش‌های معلم‌محور، کلاس‌های حضوری و یادگیری مبتنی بر حفظیات استوار است، اغلب قادر به پاسخگویی به نیازهای نسل جدید و فناوری‌های دیجیتال نیست.

مفاهیم کلیدی این پژوهش شامل آموزش و پرورش سنتی و آموزش دیجیتال یا آموزش نوین مبتنی بر فناوری است. آموزش سنتی معمولاً بر روش‌های خطی و یک‌طرفه تدریس، کتاب‌های درسی و یادگیری تکراری تمرکز دارد و خلاقیت، تعامل فعال دانش‌آموز و مهارت‌های حل مسئله را به اندازه کافی تقویت نمی‌کند. در مقابل، آموزش دیجیتال با بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند، یادگیری آنلاین، بازی‌های آموزشی و شبیه‌سازی‌های تعاملی، امکان یادگیری فعال، مشارکتی و مبتنی بر تجربه را فراهم می‌آورد.

با وجود رشد سریع فناوری در آموزش، بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که بسیاری از نظام‌های آموزشی سنتی در ایران و کشورهای مشابه، هنوز به شکل کامل با تغییرات دیجیتال هماهنگ نشده‌اند .کلاس‌های سنتی با چالش‌هایی مانند عدم آمادگی معلمان برای استفاده از فناوری، محدودیت منابع دیجیتال، مقاومت در برابر تغییر و کمبود مهارت‌های فناوری در دانش‌آموزان و معلمان مواجه هستند. این خلا علمی و عملی باعث می‌شود که پتانسیل فناوری در بهبود کیفیت یاددهی–یادگیری به طور کامل محقق نشود و فرصت‌های تربیتی و آموزشی برای دانش‌آموزان محدود بماند. در این پژوهش، مفاهیم کلیدی شامل آموزش و پرورش سنتی، آموزش دیجیتال و چالش‌های تطبیقی است. آموزش و پرورش سنتی معمولاً بر روش‌های معلم‌محور، کتاب محور، حفظیات و انتقال یک‌طرفه اطلاعات استوار است و توانایی دانش‌آموزان در تفکر انتقادی، حل مسئله و یادگیری مشارکتی را به اندازه کافی توسعه نمی‌دهد. در مقابل، آموزش دیجیتال با استفاده از

فناوری‌های نوین، محیط‌های یادگیری آنلاین، شبیه‌سازی‌های تعاملی و ابزارهای هوشمند آموزشی، امکان یادگیری فعال، مشارکتی و مبتنی بر تجربه را فراهم می‌کند و مهارت‌های فناوری، نوآوری و خودنظمی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند.

با وجود اهمیت رویکردهای نوین، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بسیاری از مدارس و نظام‌های آموزشی هنوز به طور کامل با تغییرات دیجیتال هماهنگ نشده‌اند . معلمان و مدیران مدارس اغلب کمبود مهارت‌های فناوری، محدودیت منابع دیجیتال و مقاومت در برابر تغییر را تجربه می‌کنند. همچنین، پژوهش‌های داخلی و منطقه‌ای در این زمینه محدود، پراکنده و غیرسیستماتیک هستند و کمتر به تحلیل جامع چالش‌های آموزش سنتی در عصر دیجیتال و ارائه راهکارهای علمی پرداخته‌اند. این امر یک خلأ پژوهشی مهم ایجاد کرده و ضرورت انجام مطالعه‌ای جامع را نشان می‌دهد. هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی چالش‌های آموزش و پرورش سنتی در عصر دیجیتال و ارائه راهکارهای علمی برای همگام‌سازی فرآیند یاددهی–یادگیری با فناوری‌های نوین است. این مطالعه تلاش دارد تا نقش فناوری در بهبود کیفیت آموزش، افزایش مشارکت دانش آموزان و ارتقای مهارت های نوین آموزشی را روشن کند و راهنمای عملیاتی برای معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی فراهم نماید.

## بخش اول: بیان مسئله

با ورود فناوری‌های نوین به نظام آموزشی، انتظارات از معلمان و دانش‌آموزان تغییر یافته و روش‌های سنتی تدریس با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند .آموزش و پرورش سنتی که بر تدریس یک‌طرفه، کتاب محور، حفظیات و فعالیت محدود دانش‌آموز استوار است، در مواجهه با نسل جدید دانش‌آموزان و ابزارهای دیجیتال، قادر به پاسخگویی به نیازهای آموزشی و تربیتی آن‌ها نیست. این ناهماهنگی منجر به مشکلاتی مانند کاهش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان، افت کیفیت یادگیری، ضعف در مهارت‌های فناوری و نوآوری، و افزایش بی‌توجهی و رفتارهای منفعلانه در کلاس می‌شود. بررسی وضعیت موجود در مدارس ایران نشان می‌دهد که اکثر کلاس‌ها و برنامه‌های درسی هنوز به شیوه‌های سنتی و خطی اداره می‌شوند .معلمان اغلب آمادگی کافی برای استفاده از فناوری‌های آموزشی

ندارند، منابع دیجیتال محدود است و بسیاری از برنامه‌های آموزشی با نیازهای عصر دیجیتال سازگار نیستند .این وضعیت باعث می‌شود که پتانسیل فناوری در بهبود یاددهی–یادگیری محقق نشود و فرصت‌های آموزشی و تربیتی برای دانش‌آموزان محدود گردد. علاوه بر این، پژوهش های علمی و کاربردی در این زمینه محدود و پراکنده هستند و کمتر به تحلیل چالش‌های عملی و ارائه راهکارهای عملیاتی برای همگام‌سازی آموزش سنتی با فناوری‌های نوین پرداخته شده است.

بر اساس مسائل فوق، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا مشکلات و چالش‌های آموزش و پرورش سنتی در عصر دیجیتال را شناسایی و تحلیل نماید و راهکارهایی علمی برای ارتقای کیفیت فرآیند یاددهی–یادگیری و بهبود مهارت‌های دانش‌آموزان ارائه کند. مسئله اصلی پژوهش به صورت زیر تعریف می‌شود: چالش‌های آموزش و پرورش سنتی در عصر دیجیتال چیست و چگونه می‌توان با استفاده از فناوری‌های نوین و رویکردهای نوآورانه، فرآیند یاددهی–یادگیری را بهبود بخشید؟

پاسخ به این سؤال، علاوه بر شناخت دقیق مشکلات عملی در کلاس‌های سنتی، می‌تواند راهبردهای کاربردی برای معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی فراهم کند و محیط یادگیری را تعامل‌محور، فناورانه و حمایتگر سازد.

## بخش دوم: اهمیت و ضرورت پژوهش

### بند اول: اهمیت تربیتی و آموزشی

آموزش و پرورش سنتی با روش‌های معلم‌محور، حفظیات و تدریس یک‌طرفه، اغلب توانایی دانش‌آموزان در تفکر انتقادی، حل مسئله و یادگیری مشارکتی را محدود می‌کند. با ظهور فناوری‌های دیجیتال و تغییر سبک زندگی دانش‌آموزان، نیاز به محیط‌های آموزشی نوآورانه، تعاملی و فناوری‌محور بیش از پیش احساس می‌شود. پژوهش حاضر با بررسی چالش‌های آموزش سنتی و نقاط ضعف آن در عصر دیجیتال، می‌تواند نقش فناوری و روش‌های نوین آموزشی در بهبود یاددهی–یادگیری و توسعه مهارت‌های نوین دانش‌آموزان را روشن سازد.

### بند دوم: اهمیت علمی و پژوهشی

با وجود رشد سریع فناوری و تغییرات محیط آموزشی، پژوهش‌های علمی در ایران در زمینه تحلیل چالش‌های آموزش و پرورش سنتی و ارائه راهکارهای همگام‌سازی با فناوری‌های نوین محدود و پراکنده هستند. فقدان مطالعات جامع، نظام‌مند و کاربردی، خلأی پژوهشی قابل توجه ایجاد کرده است. این پژوهش با تمرکز بر شناسایی مشکلات واقعی کلاس‌های سنتی و تحلیل علمی اثر فناوری و رویکردهای نوین آموزشی، می‌تواند مبانی علمی و نظری لازم برای تحقیقات بعدی در این حوزه را فراهم کند.

### بند سوم: اهمیت کاربردی برای معلمان و مدیران

نتایج پژوهش می‌تواند راهنمای عملیاتی برای معلمان و مدیران مدارس باشد تا با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و رویکردهای نوآورانه، فرآیند یاددهی–یادگیری را ارتقا دهند، انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهند و محیط کلاس را تعامل‌محور و منظم کنند .علاوه بر این، این پژوهش می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی مطابق با نیازهای عصر دیجیتال کمک کند و معلمان را در تطبیق روش‌های سنتی با ابزارهای فناوری و یادگیری فعال دانش‌آموزان یاری رساند.

در مجموع، اهمیت این پژوهش از سه منظر تربیتی، علمی و کاربردی قابل توجه است و پاسخ به آن می‌تواند نظام آموزش و پرورش سنتی را با چالش‌های عصر دیجیتال همسو کرده و فرصت‌های نوآوری و یادگیری مؤثر را برای دانش‌آموزان فراهم کند.

## بخش سوم: اهداف پژوهش

### بند اول: هدف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی چالش‌های آموزش و پرورش سنتی در عصر دیجیتال و ارائه راهکارهای علمی و عملی برای بهبود فرآیند یاددهی–یادگیری و همگام‌سازی آن با فناوری‌های نوین است. این هدف، تلاش دارد تا نقاط ضعف و محدودیت‌های روش‌های

سنتی تدریس را در کلاس ها و مدارس ابتدایی و متوسطه شناسایی کرده و راهکارهای کاربردی برای ارتقای کیفیت آموزش و مهارت‌های نوین دانش‌آموزان ارائه دهد.

**بند دوم: اهداف جزئی**

۱. تبیین و تحلیل مشکلات عملی آموزش سنتی شامل روش‌های تدریس یک‌طرفه، حفظیات محوری، ضعف در یادگیری مشارکتی و محدودیت تعامل دانش‌آموزان با هم.

۲. شناسایی تأثیر فناوری‌های نوین و ابزارهای دیجیتال بر فرآیند یاددهی–یادگیری و توانایی معلمان در مدیریت کلاس.

۳. بررسی نگرش معلمان و دانش‌آموزان نسبت به آموزش سنتی و دیجیتال و تأثیر آن بر انگیزه، مشارکت و یادگیری فعال.

۴. ارائه راهکارهای علمی و عملی برای همگام‌سازی آموزش سنتی با فناوری‌های نوین به منظور ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان.

۵. تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای محیط آموزشی سنتی در مواجهه با فناوری‌های نوین و پیشنهاد اقدامات اجرایی برای بهبود کیفیت آموزش.

**بخش چهارم: چارچوب نظری پژوهش**

**بند اول: مبانی نظری آموزش سنتی و دیجیتال**

آموزش سنتی مبتنی بر روش معلم‌محور، تدریس مستقیم و حفظیات است که نقش فعال دانش‌آموز در فرآیند یاددهی–یادگیری محدود می‌شود. این رویکرد توانایی تفکر انتقادی، حل مسئله و یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان را به اندازه کافی پرورش نمی‌دهد. در مقابل، آموزش دیجیتال و استفاده از فناوری های نوین آموزشی، امکان یادگیری فعال، تعاملی و مبتنی بر تجربه را فراهم می‌کند و مهارت‌های فناوری، نوآوری، خودنظمی و همکاری گروهی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. نظریه‌های یادگیری فعال، به ویژه نظریه‌های

وگوتسکی (۱۳۷۷) و باندورا (۱۹۷۷)، تأکید می‌کنند که یادگیری مؤثر در محیط‌های اجتماعی و تعاملی رخ می‌دهد و دانش‌آموزان با همکاری، تجربه و بازخورد معلم می‌توانند مهارت‌های پیچیده اجتماعی و شناختی را توسعه دهند.

## بند دوم: تعریف مسئولیت‌پذیری در آموزش

مسئولیت‌پذیری به معنای پذیرش وظایف فردی، رعایت قوانین و مقررات، پاسخگویی به پیامدهای رفتار و تعهد به فعالیت‌های گروهی و فردی است. در آموزش سنتی، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان اغلب محدود به انجام تکالیف و رعایت نظم کلاس می‌شود، در حالی که آموزش دیجیتال و یادگیری مشارکتی، فرصت‌های بیشتری برای تقویت رفتار مسئولانه، مشارکت فعال و خودنظمی فراهم می‌آورد.

## بند سوم: نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط

- نظریه یادگیری اجتماعی باندورا :تأکید بر یادگیری از طریق مشاهده، مدل‌سازی و بازخورد اجتماعی دارد و نقش معلم و محیط کلاس را در شکل‌گیری رفتار مسئولانه دانش‌آموزان برجسته می‌کند.
- نظریه یادگیری تعاملی و وگوتسکی :یادگیری در تعامل با دیگران رخ می‌دهد و ابزارهای فرهنگی و دیجیتال می‌توانند یادگیری مشارکتی و مهارت‌های مسئولیت‌پذیری را تقویت کنند.
- دیدگاه‌های نوین آموزشی :استفاده از فناوری‌های هوشمند، یادگیری آنلاین، بازی‌های آموزشی و شبیه‌سازی، امکان یادگیری فعال و تعاملی را فراهم می‌آورد و ارتباط مستقیمی با رشد مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد.

## بند چهارم: پیوند منطقی متغیرها

چارچوب پژوهش حاضر نشان می‌دهد که:

۱. روش‌های سنتی تدریس و محدودیت‌های آن ←کاهش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان و تضعیف مسئولیت‌پذیری.

۲. یادگیری مشارکتی و استفاده از فناوری‌های دیجیتال ←افزایش تعامل فعال، مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان.

۳. نقش فعال معلم در هدایت، بازخورد و مدیریت کلاس ←تقویت اثربخشی یادگیری مشارکتی و کاهش چالش‌های آموزش سنتی.

به عبارت دیگر، روش تدریس، محیط یادگیری و مدیریت کلاس توسط معلم به عنوان متغیرهای مستقل، بر مسئولیت‌پذیری، مشارکت و تعامل دانش‌آموزان تأثیر مستقیم دارند و استفاده از فناوری و یادگیری مشارکتی نقش میانجی این تأثیر را ایفا می‌کند. این چارچوب، پایه نظری و مفهومی پژوهش را برای تحلیل چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی فراهم می‌سازد.

## بخش پنجم: پژوهش‌های پیشین

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در ایران به بررسی چالش‌های آموزش سنتی و نقش فناوری در یادگیری پرداخته‌اند. بررسی این مطالعات نشان می‌دهد که آموزش و پرورش سنتی با محدودیت‌هایی مواجه است و نیازمند تطبیق با روش‌ها و ابزارهای نوین آموزشی می‌باشد.

۱. احمدی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر روش‌های نوین آموزشی بر انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان ابتدایی» نشان دادند که استفاده محدود از روش‌های فعال و مشارکتی در مدارس سنتی، انگیزه تحصیلی و مشارکت دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد .یافته‌های این پژوهش با موضوع حاضر همسو است

و اهمیت یادگیری مشارکتی و فناوری در ارتقای کیفیت یادگیری را تأکید می‌کند.

۲. حسینی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «چالش‌های فناوری اطلاعات در مدارس ابتدایی ایران» گزارش کرد که عدم آمادگی معلمان برای استفاده از فناوری‌های دیجیتال و محدودیت زیرساخت‌ها، بزرگ‌ترین موانع ورود فناوری به فرآیند آموزش سنتی هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که نظام آموزش سنتی بدون حمایت فناورانه قادر به پاسخگویی به نیازهای عصر دیجیتال نیست.

۳. رضایی و محمدی (۱۴۰۰) در بررسی «مقایسه روش‌های سنتی و نوین تدریس در یادگیری دانش‌آموزان متوسطه» دریافتند که دانش‌آموزان در کلاس‌های سنتی مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی کمتری دارند و کلاس‌های نوین دیجیتال تأثیر مثبت قابل توجهی بر یادگیری فعال و مشارکتی دانش‌آموزان دارد .این یافته‌ها نشان می‌دهد که روش‌های سنتی به تنهایی برای تحقق اهداف آموزشی عصر دیجیتال کافی نیستند.

۴. کریمی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با موضوع «نقش معلم در مدیریت کلاس و ارتقای کیفیت یادگیری» نشان داد که توانایی معلم در هدایت کلاس، ارائه بازخورد مستمر و مدیریت تعاملات دانش‌آموزان، نقش کلیدی در بهبود یادگیری دارد .این یافته‌ها با پژوهش حاضر همخوانی دارد و اهمیت نقش فعال معلم در مواجهه با چالش‌های آموزش سنتی را تأکید می‌کند.

۵. موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای درباره «ادغام فناوری‌های دیجیتال در آموزش ابتدایی» گزارش کردند که استفاده محدود از فناوری و عدم هماهنگی آن با روش‌های سنتی تدریس باعث کاهش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب یادگیری مشارکتی و ابزارهای دیجیتال می‌تواند شکاف موجود در آموزش سنتی را کاهش دهد.

## بخش ششم: تحلیل و مقایسه

مرور پژوهش‌های فوق نشان می‌دهد که:

- همه مطالعات بر محدودیت روش‌های سنتی و نیاز به نوآوری در تدریس تأکید دارند.
- نقش معلم به عنوان هدایتگر و مدیر کلاس، در همه پژوهش‌ها یک عامل کلیدی شناخته شده است.
- استفاده از فناوری و روش‌های فعال آموزشی باعث تقویت انگیزه، مشارکت و مهارت‌های نوین دانش‌آموزان می‌شود.
- خلأ پژوهشی اصلی در مطالعات داخلی، تحلیل یکپارچه چالش‌های آموزش سنتی در عصر دیجیتال و ارائه راهکارهای عملی برای مدارس ایران است.

بنابراین، پژوهش حاضر تلاش می‌کند این خلأ پژوهشی را پر کرده و با تمرکز بر چالش‌های عملی آموزش سنتی و نقش فناوری و یادگیری مشارکتی، چارچوبی کاربردی برای بهبود فرآیند یاددهی–یادگیری ارائه دهد.

## بخش هفتم: روش‌شناسی پژوهش

### بند اول: نوع پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی–تحلیلی است. رویکرد کاربردی به این معناست که هدف پژوهش، شناسایی مشکلات عملی و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بهبود آموزش سنتی در عصر دیجیتال می‌باشد. از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، پژوهش تحلیلی و توصیفی–کیفی و کمی است؛ به این صورت که پژوهش کمی به شناسایی میزان تأثیر فناوری و روش‌های نوین بر یادگیری می‌پردازد و پژوهش کیفی با مصاحبه و مشاهده، تجربیات معلمان و دانش‌آموزان را تحلیل می‌کند.

## بند دوم: جامعه و نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل معلمان و دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه استان کرمانشاه است که در کلاس‌های با آموزش سنتی و استفاده محدود از فناوری فعالیت دارند. نمونه پژوهش شامل:

- ۵۰ معلم با تجربه تدریس در کلاس‌های سنتی و ترکیبی (انتخاب به روش هدفمند)
- ۱۵۰ دانش‌آموز از پایه‌های مختلف ابتدایی و متوسطه (انتخاب به روش خوشه‌ای و تصادفی)

## بند سوم: ابزار گردآوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای چندگانه استفاده شد تا اطلاعات جامع و معتبر به دست آید:

۱. پرسشنامه ساختاریافته برای سنجش میزان استفاده از روش‌های سنتی، میزان مشارکت دانش‌آموز و دیدگاه معلمان درباره فناوری آموزشی.

۲. چک‌لیست مشاهده کلاس برای ثبت رفتارهای آموزشی و تعاملات معلم و دانش‌آموز در محیط کلاس.

۳. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با معلمان و مدیران مدارس برای شناسایی چالش‌ها، فرصت‌ها و نیازهای عملی در آموزش سنتی و دیجیتال.

۴. مستندنگاری و تحلیل اسناد آموزشی شامل برنامه‌های درسی و منابع آموزشی مورد استفاده در مدارس.

**بند چهارم: روش تحلیل داده‌ها**

- داده‌های کمی با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی) آزمونt ، تحلیل همبستگی و رگرسیون ساده (تحلیل شدند تا ارتباط بین روش‌های تدریس و نتایج یادگیری دانش‌آموزان بررسی شود.
- داده‌های کیفی از طریق تحلیل محتوا و کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد بررسی قرار گرفت تا تجارب معلمان و چالش‌های عملی آموزش سنتی شناسایی و دسته‌بندی شوند.
- ترکیب نتایج کمی و کیفی به پژوهش امکان داد تا یک تحلیل جامع و کاربردی از وضعیت آموزش سنتی در عصر دیجیتال ارائه شود و راهکارهای عملی برای بهبود فرآیند یاددهی–یادگیری استخراج گردد.

**بخش هشتم: یافته‌ها**

یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های کمی و کیفی جمع‌آوری شده از معلمان و دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه استان کرمانشاه به شرح زیر است:

**بند اول: یافته‌های کمی**

۱. استفاده از روش‌های سنتی تدریس:

۷۸٪ معلمان همچنان از روش معلم‌محور و حفظیات محور در کلاس‌های خود استفاده می‌کنند.

میانگین میزان استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی در کلاس‌های سنتی، ۳/۲ از ۵ بود که نشان‌دهنده استفاده محدود و نامنسجم است.

۲. میزان مشارکت دانش‌آموزان:

در کلاس‌های سنتی، تنها ۳۲٪ دانش‌آموزان به صورت فعال در یادگیری مشارکت می‌کنند.

دانش‌آموزانی که دسترسی محدود به ابزارهای دیجیتال داشتند، کمتر از همکلاسی‌های خود در فعالیت‌های گروهی و مشارکتی شرکت می‌کردند.

۳. تأثیر فناوری بر یادگیری و انگیزه:

تحلیل همبستگی نشان داد که استفاده از فناوری‌های نوین با انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان همبستگی مثبت معنادار دارد.($r = ۰.۶۱, p < ۰.۰۱$)

رگرسیون ساده نشان داد که حدود ۳۷٪ تغییرات مشارکت دانش‌آموزان با میزان استفاده از فناوری قابل پیش‌بینی است.

**بند دوم: یافته‌های کیفی**

۱. مشاهدات کلاس:

معلمان کلاس‌های سنتی اغلب کلاس را یک‌طرفه اداره می‌کنند و فرصت کافی برای تعامل، پرسش و پاسخ و فعالیت گروهی دانش‌آموزان فراهم نمی‌شود.

دانش‌آموزان در این کلاس‌ها کمتر از مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله استفاده می‌کنند و فعالیت‌های گروهی محدود و غیرسازنده است.

۲. مصاحبه با معلمان و مدیران:

معلمان از کمبود منابع دیجیتال و عدم آمادگی برای استفاده از فناوری به عنوان مهم‌ترین چالش یاد کردند.

بسیاری از معلمان تأکید کردند که روش‌های سنتی، مدیریت کلاس را آسان می‌کند اما توانایی دانش‌آموزان را در یادگیری فعال محدود می‌سازد.

۳. تحلیل مستندات آموزشی:

برنامه‌های درسی و کتاب‌های مورد استفاده عمدتاً روش‌های سنتی و تمرکز بر حفظیات دارند و تعاملی بودن یا استفاده از فناوری آموزشی در آن‌ها محدود است.

**بند سوم: جمع‌بندی یافته‌ها**

۱. آموزش سنتی در کلاس‌های ابتدایی و متوسطه با محدودیت‌های جدی در مشارکت فعال، یادگیری تعاملی و استفاده از فناوری مواجه است.

۲. استفاده محدود از ابزارهای دیجیتال باعث کاهش انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان می‌شود.

۳. نقش فعال معلم در مدیریت کلاس و هدایت فعالیت‌های مشارکتی از اهمیت بالایی برخوردار است و می‌تواند اثر منفی روش‌های سنتی را کاهش دهد.

**بخش نهم: بحث و تفسیر یافته‌ها**

**بند اول: تبیین نتایج**

یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش سنتی در مدارس ابتدایی و متوسطه با محدودیت‌های قابل توجهی مواجه است .استفاده غالب از روش‌های معلم‌محور و حفظیات‌محور، مشارکت فعال دانش‌آموزان و توانایی آن‌ها در یادگیری مشارکتی و حل مسئله را کاهش می‌دهد .علاوه بر این، کمبود منابع دیجیتال و آمادگی محدود معلمان برای بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، باعث شده است که فرصت‌های یادگیری فعال و تعامل‌محور به طور کامل فراهم نشود.

یافته‌ها همچنین نشان داد که استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی با مشارکت و انگیزه دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معنادار دارد و نقش معلم در هدایت و مدیریت کلاس، کلیدی برای کاهش اثرات منفی روش‌های سنتی است .این نتایج بیانگر آن است که ترکیب روش‌های فعال، یادگیری مشارکتی و فناوری‌های نوین می‌تواند شکاف‌های موجود در آموزش سنتی را کاهش دهد.

**بند دوم: مقایسه با پژوهش‌های پیشین**

نتایج این پژوهش با بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی همسو است:

۱. احمدی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که روش‌های سنتی انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را کاهش می‌دهند .یافته‌های پژوهش حاضر این نتایج را تأیید می‌کند.

۲. حسینی (۱۴۰۰) گزارش کرد که کمبود آمادگی معلمان برای استفاده از فناوری و محدودیت منابع دیجیتال، چالش اصلی آموزش سنتی است .پژوهش حاضر نیز همان مشکل را شناسایی کرده است.

۳. رضایی و محمدی (۱۴۰۰) نشان دادند که کلاس‌های سنتی، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله را کاهش می‌دهند .این نتایج نیز با یافته‌های حاضر تطابق دارد و اهمیت روش‌های فعال و فناوری آموزشی را برجسته می‌کند.

۴. کریمی (۱۳۹۸) تأکید کرده است که نقش فعال معلم در هدایت و مدیریت کلاس، کیفیت یادگیری را افزایش می‌دهد .پژوهش حاضر نیز نقش معلم را به عنوان یک متغیر کلیدی در کاهش اثرات منفی آموزش سنتی تأیید می‌کند.

## بند سوم: تحلیل تربیتی یافته‌ها

از منظر تربیتی، یافته‌ها نشان می‌دهند که ادغام فناوری‌های نوین و روش‌های یادگیری مشارکتی می‌تواند به تقویت مسئولیت‌پذیری، مشارکت فعال، تعامل اجتماعی و مهارت‌های نوین دانش‌آموزان کمک کند. مدیریت کلاس توسط معلم و ارائه بازخورد مستمر و هدایت فعالیت‌های گروهی نیز نقش اساسی در ایجاد محیط یادگیری حمایتگر و تعاملی دارد.

این نتایج بیانگر آن است که مدارس و معلمان باید روش‌های سنتی را بازبینی و با فناوری‌های نوین و روش‌های یادگیری فعال تلفیق کنند تا فرآیند یاددهی–یادگیری ارتقا یابد و مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در عصر دیجیتال توسعه پیدا کند.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که آموزش و پرورش سنتی در مدارس ابتدایی و متوسطه با محدودیت‌های جدی مواجه است .روش‌های معلم‌محور و حفظیات‌محور باعث کاهش

مشارکت فعال، انگیزه و مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان می‌شوند و فرصت‌های یادگیری فعال و تعاملی را محدود می‌کنند. علاوه بر این، کمبود منابع دیجیتال، محدودیت آمادگی معلمان و نبود هماهنگی با نیازهای عصر دیجیتال از دیگر چالش‌های مهم است. یافته‌ها تأکید می‌کنند که ادغام فناوری‌های نوین و یادگیری مشارکتی، همراه با نقش فعال معلم در هدایت کلاس، می‌تواند این محدودیت‌ها را کاهش دهد و کیفیت یاددهی–یادگیری را ارتقا دهد. بر اساس نتایج به دست آمده، چالش‌های اصلی آموزش سنتی شامل محدودیت روش‌های تدریس، کاهش تعامل و مشارکت دانش‌آموزان، ضعف در مهارت‌های نوین و کمبود فناوری آموزشی هستند. پژوهش نشان داد که استفاده از فناوری‌های نوین، یادگیری مشارکتی و مدیریت فعال کلاس توسط معلم، می‌تواند فرآیند یاددهی–یادگیری را بهبود بخشد، انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد و مهارت‌های نوین آنان را توسعه دهد.

## کاربردهای عملی

۱. برای معلمان :استفاده از روش‌های یادگیری فعال و مشارکتی، بهره‌گیری از فناوری‌های آموزشی دیجیتال، ارائه بازخورد مستمر و مدیریت تعاملات کلاس برای تقویت یادگیری و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان.

۲. برای مدیران مدارس :فراهم کردن زیرساخت‌های دیجیتال، آموزش مهارت‌های فناوری به معلمان، ایجاد محیط یادگیری حمایتگر و مشارکتی و تشویق به به‌کارگیری روش‌های نوین آموزشی.

۳. برای سیاست‌گذاران آموزشی :تدوین برنامه‌ها و راهنمای عملیاتی برای تطبیق نظام آموزشی سنتی با نیازهای عصر دیجیتال، طراحی دوره‌های آموزشی برای معلمان و تقویت مهارت‌های فناوری دانش‌آموزان.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان داد که ادغام روش‌های سنتی با فناوری و یادگیری فعال، کلید حل چالش‌های آموزش سنتی در عصر دیجیتال است و می‌تواند کیفیت یاددهی–یادگیری، مشارکت دانش‌آموزان و مهارت‌های آنان را به طور چشمگیری ارتقا دهد.

## پیشنهادهای کاربردی برای معلمان

۱. تلفیق روش‌های فعال و مشارکتی با روش‌های سنتی :معلمان می‌توانند با ترکیب تدریس مستقیم و فعالیت‌های گروهی و پروژه‌محور، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله دانش‌آموزان را تقویت کنند.

۲. استفاده از فناوری‌های آموزشی دیجیتال :بهره‌گیری از پلتفرم‌های آموزشی آنلاین، نرم‌افزارهای تعاملی، شبیه‌سازی و بازی‌های آموزشی می‌تواند یادگیری را جذاب و مشارکتی کند.

۳. مدیریت فعال کلاس و ارائه بازخورد مستمر :معلمان باید نقش هدایتگر و مربی را ایفا کنند، فرصت مشارکت دانش‌آموزان را فراهم کنند و بازخوردهای سازنده ارائه دهند.

۴. تشویق به خودنظمی و مسئولیت‌پذیری :با طراحی فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های کوتاه‌مدت و تعیین اهداف شفاف، دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیری و تعامل اجتماعی را تمرین کنند.

۵. آموزش مهارت‌های فناوری :معلمان باید توانایی استفاده از ابزارهای دیجیتال را افزایش دهند تا بتوانند محیط یادگیری نوآورانه و فعال ایجاد کنند.

## پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

۱. بررسی تأثیر روش‌های نوین آموزشی و فناوری‌های دیجیتال بر مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در بازه‌های زمانی طولانی‌تر.

۲. تحلیل مقایسه‌ای بین مدارس شهری و روستایی از نظر چالش‌های آموزش سنتی و استفاده از فناوری.

۳. پژوهش درباره نقش والدین و خانواده‌ها در حمایت از یادگیری دیجیتال و مشارکتی دانش‌آموزان.

۴. بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی ترکیبی (Blended Learning) بر کیفیت یاددهی–یادگیری و مشارکت فعال دانش‌آموزان.

۵. مطالعات آینده می‌تواند مدل عملیاتی همگام‌سازی آموزش سنتی با فناوری‌های نوین را طراحی و اعتبارسنجی کند تا برای مدارس ایران کاربردی باشد.

## منابع و مآخذ


۱. احمدی، م.، رضایی، س.، و کریمی، ر .(۱۳۹۹) بررسی تأثیر روش‌های نوین آموزشی بر انگیزه و مشارکت دانش‌آموزان ابتدایی .پژوهش‌های آموزش و پرورش، ۵(۳)، ۴۵–۶۲.

۲. حسینی، ف .(۱۴۰۰) چالش‌های فناوری اطلاعات در مدارس ابتدایی ایران .مجله فناوری و آموزش، ۱۲(۲)، ۳۱–۵۰.

۳. رضایی، م. و محمدی، ر .(۱۴۰۰) مقایسه روش‌های سنتی و نوین تدریس در یادگیری دانش‌آموزان متوسطه .پژوهش‌نامه علوم تربیتی، ۱۴(۱)، ۷۵–۹۸.

۴. کریمی، ن .(۱۳۹۸) نقش معلم در مدیریت کلاس و ارتقای کیفیت یادگیری . مجله مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۰(۲)، ۵۵–۷۴.

۵. موسوی، ح.، احمدی، م. و یوسفی، ر .(۱۳۹۹) ادغام فناوری‌های دیجیتال در آموزش ابتدایی .پژوهش‌های نوین آموزشی، ۶(۴)، ۴۰–۶۵.

۶. کاظمی، س .(۱۳۹۷) یادگیری مشارکتی و نقش فناوری در توسعه مهارت‌های دانش‌آموزان .مجله علوم تربیتی ایران، ۸(۱)، ۲۳–۴۵.

۷. نادری، م. و صادقی، ف .(۱۳۹۸) چالش‌ها و فرصت‌های آموزش سنتی در مدارس ایران .پژوهش‌های آموزشی و تربیتی، ۹(۳)، ۵۰–۷۲.

۸. *Darling-Hammond, L., Flook, L., Cook-Harvey, C., Barron, B., & Osher, D. (۲۰۲۰). Implications for educational practice of the science of learning and development. Applied Developmental Science, ۲٤(۲), ۹۷–۱٤۰.*

۹. *Hattie, J. (۲۰۱٥). The applicability of visible learning to higher education. Scholarship of Teaching and Learning in Psychology, ۱(۱), ۷۹–۹۱. https://doi.org/۱۰.۱۰۳۷/stl۰۰۰۰۰۲۱*

۱۰. *Prensky, M. (۲۰۰۱). Digital natives, digital immigrants. On the Horizon, ۹(٥), ۱–٦.*

۱۱. *Fullan, M., & Langworthy, M. (۲۰۱٤). A rich seam: How new pedagogies find deep learning. London: Pearson.*

۱۲. *Selwyn, N. (۲۰۱٦). Education and technology: Key issues and debates (۲nd ed.). London: Bloomsbury Academic.*

۱۳. *OECD. (۲۰۱۹). Trends Shaping Education ۲۰۱۹. Paris: OECD Publishing. https://doi.org/۱۰.۱۷۸۷/trends_edu-۲۰۱۹-en*

۱٤. *Johnson, L., Becker, S. A., Cummins, M., & Estrada, V. (۲۰۱٤). Technology outlook for STEM+ education ۲۰۱۳–۲۰۱۸: An NMC Horizon Project Sector Analysis. Austin, TX: The New Media Consortium.*

۱٥. *Bonk, C. J., & Graham, C. R. (۲۰۰٦). The handbook of blended learning: Global perspectives, local designs. San Francisco, CA: Pfeiffer Publishing.*